

وجوه الگویی آرمان شهر مهدوی در جامعه امروز

غلامرضا بهروزی لک^۱

ابراهیم باقرزاده^۲

چکیده

کاربردهای «جامعه آرمانی دین» مهدویت در بدنه جامعه منتظر، از جمله مسائل مهم و قابل توجهی است که به دلیل نقش اجتناب‌ناپذیر آن در تحقق الگویی روشمند که بتواند اهداف و انتظارات جامعه دینی را فراهم کند، مورد توجه محققان و اندیشمندان قرار گرفته است؛ به ویژه این که امروزه وجود تمایلات دینی در جوامع جهانی و حضور تأثیرگذار و انکارناپذیر دین، به سرعت در حال توسعه است. جامعه منتظر، در صورتی می‌تواند در ترسیم وضعیت آینده جهان، جامعه‌ای با کیفیت و اثرگذار و الگویی برای دیگر ملت‌ها باشد که بر اصول و آرمان‌های خود پافشاری کند و بایسته‌های جامعه آرمانی دین (مهدویت) را سرلوحه فعالیت خود قرار دهد. تبیین کاربردهای جامعه آرمانی دین (مهدویت)، از قبیل کارکرد سیاسی با هدف تأثیرگذاری بر آینده جوامع، کارکرد فرهنگی متأثر از فرهنگ انتظار، کارکرد عقیدتی، با هدف عمق بخشی و اصلاح باورها و بومی‌سازی آن در متن جامعه منتظر؛ می‌تواند گام مؤثری به منظور برنامه‌ریزی و حرکت به سوی ساختن آینده‌ای درخشان و نهایتاً زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر علیه السلام تلقی گردد.

واژگان کلیدی: کارکردهای جامعه آرمانی، مهدویت، جامعه منتظر، زمینه‌سازی.

مقدمه

اندیشه و باور مهدویت، از مهم‌ترین آموزه‌های دین مبین اسلام و در واقع، مهدویت، آینده‌ای تمام‌نما برای آینده‌ای حتمی، روشن، فراگیر، مطلوب و موعود در جهان است که پیروان تمامی ادیان با اندیشه موعود آخرالزمان، تاریخ زندگی بشر را هدفمند می‌بینند. فرهنگ مهدویت، منبع سرشاری است که هر معتقد به امام قائم عجل الله تعالی فرجه در حد بینش و بررسی خود، از آن برداشت می‌کند. نگرش درست به ظهور منجی موعود از سلاله پاک پیامبر اسلام ص درک صحیح از معیارها، ارزش‌ها و مسئولیت‌ها و تلاش برای احیای امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح خود و جامعه؛ رابطه‌ای قوی و پایدار براساس رابطه ولایی، بین انسان و امام عصر عجل الله تعالی فرجه ایجاد می‌کند. در این میان، این رسالت خطیر و مهم به عهده آینده پژوهی دینی گذاشته شده‌است.

توضیح بعضی از مفاهیم جهت روشن شدن بحث ضروری به نظر می‌رسد.

الف) آرمان شهر

«جوامع آرمانی»، «آرمان شهر»، «مدینه فاضله»، از مفاهیمی هستند که دانش واژه «یوتوپیا» (تامس مور، اومانیزست عصر رنسانس = Utopia) بر آن‌ها دلالت دارد. «Utopia»، واژه‌ای مرکب از «OU» «او» یونانی، به معنای «نفی» و کلمه «Topos» «توپوس»، به معنای «مکان» است. این واژه از لحاظ لغوی، به معنای «جایی که وجود ندارد»، «ناکجا آباد»، «لا مکان» می‌باشد؛ اما اغلب به معنای جزیره خیالی وصف شده که در آن سیاست و قانون و همه چیز در کمال خوبی اجرا می‌گردد.

معانی دیگری برای این واژه ذکر شده است؛ از جمله دولت یا کشور کامل و ایده‌آل، کشور خیالی، کتابی که درباره کشور مرفه الحال بحث می‌کند (فرهنگ کامل انگلیسی، ج ۵، واژه یوتوپیا).

از قدیم‌ترین زمان‌ها تا کنون تصور ایجاد «جامعه آرمانی» همیشه تعدادی از دانشمندان و اندیشه وران جهان را مجذوب و مفتون داشته است. از این‌رو هر یک از آنان طرحی جداگانه

برای جامعه آرمانی تدوین و ارائه کرده است. در میان کهن‌ترین معماران جامعه آرمانی، افلاطون از همه مشهورتر است. وی در سرتاسر رساله «جمهوری» طرح «مدینه فاضله» خویش را عرضه کرده است. بعد از او در جهان اسلام دانشوران و اندیشمندان بسیاری، از جمله فارابی در کتاب «آراء اهل المدینه الفاضله»، به تصویر جامعه‌های آرمانی خود پرداختند. در دنیای مسیحیت نیز انبوهی از نویسندگان به این کار اقدام کرده‌اند؛ از جمله آگوستین در «شهر خدا»، توماس مور در «ناکجا‌آباد یا هیچ کجا» و فرانسیس بیکن در «آتلان‌تیس نو» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۴۱۱).

حقیقت این است که طرح نقشه جامعه آرمانی نه مضر است نه لغو؛ مشروط بر این که دارای سه ویژگی اساسی باشد:

اول این که کاملاً واقع بینانه باشد و حقایق زیست‌شناسی، روان‌شناختی، و جامعه‌شناختی را به هیچ روی از نظر دور ندارد و به دست فراموشی نسپارد؛
 دوم این که با ارائه طریق همراه باشد؛ یعنی فقط جامعه آرمانی را تصویر نکند، بلکه راه و روش رسیدن به آن را نیز نشان دهد:

آنچه تمام این طرح‌ها را جنبه غیر عملی، وهمی و پنداری می‌دهد و تقریباً در تمام آن‌ها نیز مشترک است، این که طراح غالباً دنیای آینده را بلاواسطه بر روی دنیای حال می‌نهد و مدینه فاسده یا جاهله را بی فاصله با مدینه فاضله مربوط می‌کند؛ اما هیچ نمی‌کوشد نشان دهد تحوّل مدینه فاسده به مدینه فاضله از کدام راه تحقق می‌یابد و آنچه توالی آن‌ها را سبب تواند شد، کدام است؟
 (زرین کوب ۱۳۸۱: ۲۳۲ و ۲۳۳)

و سوم این که اهدافی را، اعم از هدف اصلی و نهایی و هدف‌های واسطه، برای جامعه آرمانی تعیین کند که دارای مراتب باشند تا سهل الحصول تر بودن پاره‌ای از مراتب آنها، شور و خواست و اراده را در مردم برانگیزد و آن‌ها را به مبارزات اجتماعی و تغییر اوضاع و احوال موجود، مایل و راغب گرداند، و از این گذشته، عدم وصول به کمال مطلوب بدین معنا نباشد که هیچ کاری انجام نشده و هیچ پیشرفتی حاصل نیامده است. طرحی که این سه خصیصه را داشته باشد، دستاوردهای عظیم خواهد داشت. مهم‌ترین فایده و منفعت آن، این است که هدف

فعالیت‌های اجتماعی را معین و معلوم می‌دارد (مصباح یزدی ۱۳۹۰، ص: ۴۵۵).

ب) جامعه آرمانی مهدوی

جامعه آرمانی، جامعه‌ای است که پارسایان در آن به امامت، نه فقط حکومت می‌رسند. بدین ترتیب، بر اثر خداشناسی، خداپرستی، اطاعت کامل و دقیق از اوامر و نواهی الهی، کسب رضای خدای متعال و تقرب به درگاه او، جامعه آرمانی اسلام به هدف نهایی خود که استكمال حقیقی انسان هاست، دست می‌یابد و (همان: ۴۱۴)؛ و در سایه این کمال انسانی است که آرزوهای همیشگی بشر محقق می‌گردد؛ آرزوهایی همچون حاکمیت کامل عدالت، آزادی و صلح، حکومت جهانی واحد، آبادانی کامل زمین، بلوغ فکری، رفع کامل فساد و جنگ و شرارت، و سازگاری انسان با طبیعت. (مطهری، ۱۳۹۱: ۶۰).

آنچه جامعه آرمانی اسلام را از سایر طرح‌ها متمایز و ممتاز می‌سازد، برخورداری از نوعی جهان بینی و ایدئولوژی جامع و کامل است که با فطرت انسان‌ها هماهنگ است. تئوری مهدویت، پس از آن که همه نظام‌ها و رژیم‌های سیاسی جهان، امتحان خودشان را داده باشند و ناتوانی بشر در اداره جهان آشکار شده و ناکارآمدی تئوری‌های حاکم بر جهان به اثبات رسیده باشد؛ به عنوان آخرین و محکم‌ترین تئوری در تاریخ تمدن بشر رخ می‌نماید و بشر تشنه عدالت و مدیریت صالح و سالم را اداره می‌کند.

بنابراین، با نگاهی دقیق و موشکافانه به مؤلفه‌های اصلی و تعیین‌کننده جامعه آرمانی مهدوی و سعی در اجرای آن سیاست‌ها در جامعه منتظر؛ می‌توان زمینه و بستر مدیریت آینده حتمی الوقوع را فراهم کرد. قابل ذکر است که ما نمی‌توانیم جامعه صددرصد مهدوی را ایجاد کنیم؛ چه این که اگر چنین چیزی ممکن بود، ظهور حضرت در چنین جامعه‌ای توجیهی نداشت؛ اما می‌توان جامعه‌ای با قابلیت الگوگیری حداکثری از جامعه مهدوی را به وجود آورد که برخی از شاخص‌های بنیادین جامعه آرمانی مهدوی در این جامعه بستر ساز و نمونه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بدون شک حیات طیبه جامعه بشری، با ظهور امام زمان علیه السلام به تحقق خواهد رسید.

جامعه مومنان حقیقی و ولایی، جامعه‌ای است که به وضع موجود مادی دنیا قانع نیست و به دنبال حقیقی محض است که تجلی حقیقت ظهور است. بر این اساس، می‌توان کارکردهای جامعه آرمانی مهدوی را در جامعه منتظر چنین شمارش کرد:

۱. کارکرد سیاسی با هدف تأثیر گذاری بر آینده جوامع

۱-۱. ایجاد آینده‌نگری مثبت در جامعه

دو نگرش کلی درباره آینده بشر وجود دارد:

- نگرش اول معتقد است که آینده و فراسوی بشر، تیره‌وتار است. انسان با دست خود و یا ابزارهایی همچون علم، تکنولوژی، صنعت و توسعه روز افزون ارتباطات تارهایی را بر دست‌وپای خود تنیده است که روزی او را از پا درمی‌آورد. این نگرش منفی، غالباً از آن کسانی است که به ماورا اعتقاد ندارند و جهان و جهانیان و ارتباط میان آن‌ها را مادی محض می‌پندارند. به تعبیر دیگر، دیدگاه ماتریالیستی دارند (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۹۹۹).

- نگرش دوم بر این باور است که دورنمای آینده و فرجام تاریخ بشر دورنمایی شیرین و لذتبخش است؛ یعنی آینده تاریخ به منزله ظرفی است که جامعه ایده‌آل را در خود جای داده است و غالباً معتقدان به ماورا و خدا و اکثر پیروان ادیان، اعم از آسمانی و غیر آسمانی، بدان باور داشته و نشاط، بالندگی فرد و اجتماع خویش را در آن، جست‌وجو می‌کنند. این نوع نگرش به آینده، در ساخت و ساز انسان و جوامع انسانی دارای نقش مهمی است و نیز برای معنا بخشیدن و هدفمند کردن زندگی انسان‌ها، نقش تأثیرگذاری خواهد داشت. با توجه به تأثیرگذار بودن آینده‌نگری مثبت در زندگی انسان، ما شاهد آینده‌نگری مثبت در منابع زرتشتیان، یهودیان، در مزامیر داوود، منابع مسیحیت و همچنین در کتاب‌های مقدس هندیان هستیم (الهی نژاد، ۱۳۸۶: ۲۱).

متمایز بودن آینده‌نگری اسلام از آینده‌نگری ادیان دیگر، این است که دین اسلام، علاوه بر معرفی کلی مهدویت به عنوان نماد آینده مثبت، به بیان جزئیات آن پرداخته و با ارائه آموزه‌های روشن و معقول و نیز با تعریف صحیح و روشن از آینده‌نگری و مقوله مهدویت و از

همه مهم‌تر با مشخص کردن مصداق منجی، زنده و حاضر بودن او در این دنیا و نیز نظارت ایشان بر اعمال و گفتار انسان‌ها؛ ایده آینده‌نگری را از مقام عقل نظری (ایده مطلق) به جایگاه عقل عملی (مدینه فاضله مهدوی) سوق داده و آن را برای بشر و جوامع بشری عملی و کاربردی کرده است (همان).

قرآن با قاطعیت تمام، آینده مثبت را برای جامعه خداجو ترسیم می‌کند و پیروزی نهایی ایمان اسلامی، (توبه: ۳۳ و صف: ۹)؛ غلبه قطعی صالحان، (انبیاء: ۱۰۵)؛ کوتاه شدن دست ستمگران و جباران برای همیشه، (القصص: ۵ و ۶) و آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشر را، (اعراف: ۱۲۸)، نوید داده‌است.

در روایات اسلامی نیز به آینده‌نگری مثبت در جامعه، اشاره فراوان شده‌است؛ به طوری که با از بین رفتن مشرکان، تمام ممالک روی زمین تحت حکومت امام زمان علیه السلام در می‌آید و او حکومت عدل را در سراسر زمین تشکیل می‌دهد. برای نمونه امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید:

دنیا پس از سرکشی و روی گردانی به ما روی می‌آورد چنان‌که ماده شتر جموش،
مهربانانه به سوی بچه خود رود». (نهج البلاغه: ۲۰۹)

سپس آن حضرت آیه پنجم سوره مبارکه قصص را تلاوت فرمود.

۲-۲. آینده‌سازی و مدیریت نظام‌مند آینده

آینده‌سازی و مدیریت آینده، منسجم کردن برنامه‌ها و تلاش برای رسیدن جامعه به شرایط آرمانی و مطلوب است. در حقیقت، آینده‌سازی به معنای پیش‌قدمی در جهت مدیریت نظام‌مند آینده برای ایجاد جامعه‌ای مطلوب می‌باشد. این پرسش برای بسیاری از علاقمندان امور آینده مطرح بوده است: که «به چه صورت می‌توان آینده را ساخت؟» باید دانست برای محقق ساختن «آینده مطلوب»، باید «ظرفیت‌سازی» به عنوان گام نخست در مسیر ساختن آینده در نظر گرفته شود. اگر ظرفیت لازم برای تغییر به وجود آید، در آن صورت می‌توان آینده را ساخت. بر این اساس، بدون ایجاد ظرفیت‌های لازم نمی‌توان آینده را محقق ساخت. از این‌روست که اهمیت توجه به آینده‌سازی در حوزه مهدویت، می‌تواند محدوده بسیار

وسیعی از جنبه‌های مختلف زندگی جوامع انسانی را پوشش داده و در معرض برنامه ریزی و مدیریت نظام‌مند قرار دهد. برنامه‌ریزی‌هایی همچون:

الف) آماده‌سازی جامعه برای رویارویی با آینده: با استفاده از تصویربرداری حوادث قابل تحقق و ارزیابی احتمالات، می‌توانیم خود و دیگران را برای آینده مطلوب مجهز و تحقق آن را مدیریت کنیم. در این حالت می‌توانیم فرصت‌ها و تهدیدها را شناسایی کرده، در برابر آن برای به دست آوردن آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم.

ب) ترسیم و شبیه‌سازی، نمایی کلی از آینده در زمان حال: با استفاده از آینده‌نگاری موعود، می‌توانیم بذر تحولات آینده را در زمان حال شناسایی کرده، نقش خود و جامعه را در آن بستر برویانییم.

ج) خود باوری و اعتماد: بعد از ترسیم و ادراک صحیح فرایند آینده مطلوب، به دلیل این‌که گستره وسیعی از حوادث و اتفاقات در آینده مورد بررسی قرار می‌گیرد، می‌توانیم نسبت به آن‌ها اقدامات لازم را مهیا سازیم و پیش برویم.

د) کسب موقعیت برتر و اقتدار آفرین: آینده‌سازی با رویکرد نگاه به آینده مطلوب، در حقیقت تصمیم‌گیری مربوط به آینده در زمان حال است؛ یعنی ما به منظور مدیریت نظام‌مند آینده، در حال حاضر تصمیم می‌گیریم و موقعیت‌های برتر آفرین خود را ترسیم می‌کنیم. لذا دانش و بینشی که از آینده‌سازی مطلوب دریافت می‌کنیم، ما را در کسب موقعیت برتر و در عرصه دفع تهدیدات یاری می‌کند (فیروزآبادی، ۱۳۸۶-۱۳۸۷: ۳۱-۳۲).

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای آینده‌سازی با نگاه به آینده‌های مطلوب، دستیابی به دیدگاهی مشترک در سطح یک سازمان یا کشور می‌باشد. بنابراین، با توجه به اهداف و سیره امام علیه السلام، یاران او و دولت کریمه حضرت در عصر ظهور، می‌توان اهداف، راهبردها، سیاست‌ها و راهکارها را به دست آورد و در برخورد با حوادث، رخدادهای جهانی، و تعارض‌ها و تزاخم‌های پیش‌آمده، با تکیه بر منابع غنی شیعه و اجتهاد پویای آن، اولویت‌ها را در نظر گرفت.

۱-۳. ایجاد چشم‌اندازهای ملی و منطقه‌ای (فرا ملی)

«چشم‌انداز» سازی در دنیای امروز، نه وسیله تفاخر و نه موجی گذراست. چشم‌اندازسازی و در پی آن، راهبردپردازی توانمند، کلیدی‌ترین ابزار برای دستیابی به موفقیت‌های مطلوب است. چشم‌انداز، کارکردهای کلیدی گوناگونی دارد؛ اما در جامعه‌ای که حیات متعالی آن با ارزش‌های قدسی پیوند خورده است، شاید مهم‌ترین آن کارکردها، انتقال اطمینان بخش ارزش‌های ما به آینده باشد. چشم‌اندازسازی با رویکرد مشارکتی، نه تنها قویاً ممکن است، بلکه نشانه‌گویی از احترام و اعتماد به همه ذی‌نفعان آینده محسوب می‌شود؛ و گزافه نیست اگر آن را نمادی برجسته از مردم‌سالاری در دنیای کنونی بدانیم. از نظر تاریخی، چشم‌انداز قدمتی به اندازه ادیان الهی دارد. چشم‌انداز در واقع موهبتی است که از سوی منبع وحی به بشر اعطا شده است. هر دین الهی در هر سطحی از کمال و فراگیری که باشد، نوعی چشم‌انداز به شمار می‌آید. برجسته‌ترین چشم‌اندازهای دینی، چشم‌اندازهای «پیامبران اولوالعزم» است که دیدگاه‌هایی جهانی داشته‌اند.

در تاریخ شکل‌گیری جوامع و نظام‌های اجتماعی جدید، شاید بتوان دو روش خاص را در این زمینه از هم تفکیک کرد:

- در یک شیوه که از سطح خرد آغاز می‌شود، با تدوین یک نظام از ایده‌ها، به شکل‌دهی نوع خاصی از کنش‌های اجتماعی و گسترش آن اقدام می‌شود و به مرور زمان و با مدیریتی شایسته به شکل یک نظام اجتماعی محقق می‌گردد، که بعثت نبی مکرم اسلام ﷺ، شکل‌گیری جامعه مدنی عصر پیامبر ﷺ نمونه‌ای از این شیوه است.

- در شکلی دیگر که از سطح کلان جامعه شروع می‌شود، با استفاده از به دست گرفتن قدرت سیاسی و حاکمیت در جامعه، به شکل‌دهی ساخت‌های مناسب و کنش‌های معطوف به آن، متناسب با نظام اجتماعی مطلوب اقدام می‌شود؛ شیوه‌ای که تقریباً در نمونه انقلاب اسلامی ایران به وسیله حضرت امام علیه السلام طی سال‌های گذشته پیگیری شده است (هرسیج و صادقی: ۱۳۸۱، ۵۹-۶۰).

در عصر گفتمان، رهبری جامعه جهانی از آن کسانی است که به خلق گفتمان‌های مسلط

قادر باشند. ایران اسلامی، به اقتضای «ماموریت تاریخی» خویش، خواهان حضور و مشارکت فعالانه در رهبری نظام جهانی است و این حضور و مشارکت، زمانی تضمین می‌شود که ایران اسلامی بتواند «چشم‌انداز قدسی» را به «گفتمان مسلط» در خصوص آینده بشر تبدیل کند. و لذا باید راه نظام مقدس اسلام را برای حضور و مشارکت هر چه فعال‌تر در عرصه رهبری جامعه جهانی هموار کنیم. اعتقاد به ظهور منجی و شکل‌گیری جامعه مهدوی، به مثابه چشم‌انداز آرمانی جامعه اسلامی تعریف می‌شود. عالمان حوزه، دانشگاه، فیلسوفان، نویسندگان و آینده پژوهان می‌توانند با پژوهش و تحقیق هرچه بیشتر در این زمینه، شناخت خود را از جوانب مختلف آرمان شهر مهدوی تعالی بخشند؛ اما نمی‌توانند چیزی از ظن خود بر آن بیفزایند، یا از آن بکاهند. مبانی و خطوط اصلی این جامعه در آیات و روایات ترسیم شده، و هر نوع تصرف خودسرانه در آن‌ها، می‌تواند به منزله بدعت در دین باشد که کم یا زیاد آن خطرناک و به کلی مطرود است (کارگر، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

۱-۴. تأثیر بر ایجاد انقلاب‌ها و قیام‌های عدالت خواهانه

از اموری که باعث تسریع در انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه شده و موجب بیداری، آگاهی جامعه جهانی و در نتیجه فراهم آمدن زمینه ظهور می‌گردد؛ قیام‌ها و انقلاب‌های اسلامی و بیدارگرایانه است. یکی از این انقلاب‌ها که تأثیر به‌سزایی بر این زمینه داشته و موجب مطرح شدن اسلام ناب در بین مردم جهان گردیده، انقلاب بزرگ ملت ایران، در سال ۱۳۵۷ به رهبری بزرگ مردی از سلاله پیامبر ص می‌باشد. با مطالعه روایات، چنین به نظر می‌آید که این انقلاب، همان حرکت آگاهی‌بخش و زمینه‌ساز قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است؛ چنان‌که روایات گوناگونی که بعضی از آن‌ها در توصیف رهبر این قیام، و بعضی در وصف مردم و قیام‌گران، و این‌که آنان از چه منطقه‌ای هستند... وارد شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ ج ۵۷: ۲۱۳)؛ گویای نکته‌ای است که به آن اشاره شد.

راهبرد نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، حمایت از بیداری اسلامی مردم منطقه علیه دولت‌های دست‌نشانده آن‌ها می‌باشد.

ایران به دنبال ایرانی‌کردن اعراب یا شیعی کردن سایر مسلمین نیست؛ ایران به

دنبال دفاع از قرآن و سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام و احیای امت اسلامی است. برای انقلاب اسلامی، کمک به مجاهدان اهل سنت سازمان‌های حماس و جهاد و مجاهدان شیعی حزب الله و امل، به یک اندازه واجب شرعی است و احساس تکلیف می‌کند. ملت و حکومت ایران با صدای بلند و قاطع اعلام می‌کند که به قیام ملتها و نه به ترور، به وحدت اسلامی، نه غلبه و تضاد مذاهب، به برادری مسلمین، نه به برتری قومی و نژادی، به جهاد اسلامی، نه خشونت علیه بی‌گناهان، این شاء الله معتقد و ملتزم است. برای سعادت همه ملت‌های مسلمان دعا کنیم و در کنار آن، وظیفه سنگین خود را بشناسیم و به آن عمل کنیم (مقام معظم رهبری: ۱۴/۱۱/۱۳۹۰).

همچنین ایشان فرمودند:

این که می‌گوییم بیداری اسلامی؛ این حرف پایه دار است؛ ریشه دار است. ملت‌های مسلمان، عدالت را می‌خواهند؛ آزادی را می‌خواهند؛ مردم سالاری را می‌خواهند؛ اعتنای به هویت انسان‌ها را می‌خواهند؛ این‌ها را در اسلام می‌بینند، نه در مکاتب دیگر؛ چون مکاتب دیگر امتحان داده و شکست خورده‌اند. بدون مبنای فکری هم که نمی‌شود به این اهداف بلند دست پیدا کرد. آن مبنای فکری بر حسب ایمان و اعتقاد ملت‌های منطقه عبارت است از: اسلام و بیداری اسلامی، ماهیت جنبش‌ها این است» (همان: ۱۴/۳/۱۳۹۱).

بر اساس مطالب مذکور، این امور مهم و سنگین، بدون داشتن قدرت و مکنات، تحت لوای یک دولت قدرتمند و مدیریتی هوشمندانه و چشم‌اندازی دقیق، امکان پذیر نیست. بنابراین، می‌بایست، در حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی و به ثمر رسیدن اهداف آن، به عنوان زمینه‌ساز قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، تلاش همه جانبه کرد.

۲. کارکرد فرهنگی متأثر از فرهنگ انتظار

۲-۱. شکل دهی به نظام آموزشی منتظر محور

از آن جاکه شیعه باید برای ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه خودش را آماده سازد، یکی از راه‌های این آماده باش عمومی، تربیت نسلی است که بتواند زمینه‌های ظهور را فراهم سازد.

«تعلیم و تربیت» فرزندان پرتوان، که هر کدامشان از توان و نیرویی آسمانی و الهی برخوردار گشته و به اوج قدرت و صلابت روحی دست پیدا کنند. جوانانی در اوج ایمان و تقوا که خوف از خدا و خشیت الهی قلوبشان را لبریز کرده و آنان را به نهایت درجه شهود و شهادت نزدیک کنند. در عصر حاضر، نسلی می‌تواند از تهاجم بی‌امان مهاجمان فرهنگی مصون باشند که به دین و مظاهر مکتب و مذهب وابستگی‌های عاطفی و قلبی عمیقی داشته باشند. تربیت نسل مهدی باور و مهدی‌یاور، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اموری است که همه نهادهای فرهنگی نظام و همچنین مراکز تبلیغی و دینی و بالاخص کانون خانواده به عنوان اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری اعتقاد فرزندان، باید به آن ملتزم باشند. بی‌تردید دشمنان این فرهنگ اصیل و مدعیان جهانی سازی؛ حکومت جهانی امام زمان علیه السلام را تنها معارض تحقق همسان‌سازی فرهنگی جهان با فرهنگ غرب می‌دانند و با بهره‌گیری از هنر و تبلیغات، یکی از محورهای اساسی فعالیت خود را مبارزه با اعتقاد به ظهور منجی الهی قرار داده‌اند. آن‌ها در محاسبات خود به این نتیجه رسیده‌اند که اعتقاد به ظهور منجی الهی، همواره برای مقابله با ستمگران امید آفرین است. از این‌روست که برای تخریب فرهنگ انتظار در منظر نسل جدید، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند. مجموعه این تلاش‌ها برای تخریب فرهنگ مهدوی در اذهان فرزندان ما، چالش تربیت مهدوی است. از سوی دیگر: پیچیدگی امر تربیت دینی در عصر حاضر - به سبب اقتضائات خاص زمانی - امر تربیت را سختی خاصی داده است. همه این عوامل، ضرورت اهتمام همراه با بینش و بصیرت را آشکار می‌سازد.

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران فرمود:

ما هم باید به تبع اسلام تربیت کنیم جوانان خودمان را، تربیت کنیم بانوان خودمان را؛ بانوان ما تربیت کنند اطفال خودشان را در دامن خودشان. وقتی بزرگ شدند، تربیت کنند آن‌ها را تا برسند به آن وقتی که برومند شوند و برای اسلام و برای انسانیت خدمتگزار باشند (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۲۸۳).

بنابراین، برای استحکام خانواده و طراوت جامعه، بسیار به جاست که والدین در تربیت

فرزندان خود اهتمام ورزند.

۲-۲. ایجاد تحوّل فرهنگی در جهت جامعه موعود

تحوّل عالم هستی، قبل از هر چیز به تحوّل بنیادین و با ارزش افرادی نیازمند است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان بر عهده بگیرند و این در درجه اول به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در تحقق آن برنامه عظیم نیاز دارد. تغییر و تحول روحی، خودسازی و تهذیب، نقش مهمی در ایجاد انقلاب بزرگ و به پیروزی رسیدن آن دارد. امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس دوست می‌دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کنند... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰).

بنابراین، با خودسازی می‌توان بر تحول جامعه موثر بود و در نتیجه زمینه ظهور حضرت پیش‌ازپیش فراهم آید. در این زمینه مطالبی از مقام معظم رهبری گویاست:

شما مردم عزیز - به خصوص شما جوان‌ها - هر چه که در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیت‌ها در وجود خودتان بیش‌تر تلاش کنید، این آینده را نزدیک‌تر خواهید کرد. این‌ها دست‌خود ما است. اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد؛ همچنان که شهدای ما با فدا کردن جان خودشان، آن روز را نزدیک‌تر کردند. آن نسلی که برای انقلاب، آن فداکاری‌ها را کردند؛ با فداکاری‌های خودشان آن آینده را نزدیک‌تر کردند. هر چه ما کار خیر و اصلاح درونی خود و تلاش برای اصلاح جامعه انجام بدهیم، آن عاقبت را دائماً نزدیک‌تر می‌کنیم (مقام معظم رهبری: ۷۹/۸/۲۳).

مهندسی فرهنگی مهدویت، به لحاظ معرفتی، نوعی کنترل نامحسوس اجتماعی را می‌سازد که با تأثیر بر لایه ذهنی جامعه به دنبال قاعده‌مند کردن رفتار فرد یا گروه بر اساس آموزه مهدویت است. زمانی سکان مهندسی فرهنگی ما بر اساس جامعه موعود ساماندهی خواهد شد که مختصات فرهنگ مهدویت و جامعه آرمانی مهدوی را به دقت رصد و ارزیابی و سپس بر اساس آن معیارها، فرهنگ جامعه خویش را باز خوانی کنیم و با شناسایی مؤلفه‌های ضعف و

قوت فرهنگ موجود، به سمت فرهنگ مطلوب و مهدویت گام برداریم.^۱

در جامعه مهدوی که بر مبنای اسلام است، دولتی با اخلاق مطلق اسلامی تشکیل می‌شود که برگرفته از آموزه‌های وحیانی، مضامین شریعت، تعقل و فطرت پاک انسانی است. بر اساس دولت مهدوی، جامعه بشری به سمت و سوی بصیرت، معنویت، تقواگرایی و اخلاق متعالی پیش می‌رود و بسیاری از انحراف‌ها، فسادها و رذایل اخلاقی، پوچی‌ها و بی‌بندوباری‌ها از جامعه رخت برمی‌بندد و بدین‌سان، آسایشی را که بشر قرن‌ها به دنبال آن بوده است، به بشر عرضه می‌دارد و آدمی در سایه آن به تکامل روحی و ادراکی نیز نایل می‌آید (کارگر: ۱۳۹۲: ۱۰۷).

۲-۳. تأثیر بر شکل‌گیری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

با نگاهی به سیره نبوی و دوران آغاز رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که با تشکیل حکومت اسلامی، وظایف دولت خود را با هدف رشد و تعالی جامعه انسانی بر محور تعالیم دینی متمرکز کرد؛ می‌توان به این نتیجه کلی دست یافت که اساساً فلسفه وجودی حکومت اسلامی، تشکیل جامعه‌ای است که بر «دین‌مداری» مبتنی باشد و تعلیم و تربیت اسلامی و جهت‌دهی به فرایند هویت‌پذیری انسانی را که در مسیر اهداف متعالی و کمال‌الاهی باشد، از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مسئولیت‌ها و وظایف حکومتی بشناسد و تأمین مصالح معنوی جامعه را در نتیجه تعامل بین ملت و دولت عهده‌دار شود. البته باید مراقب بود تا در محتوای حکومت مبتنی بر فرهنگ دینی و اسلامی انحراف روی ندهد؛ چنان که در حاکمیت‌های بعد از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شاهد آن هستیم؛ به طوری که نوعی خلأ بین حکومت اسلامی و حقیقت دین به وجود آمد و نظام حکومتی از فرهنگ دینی شکل ظاهری و صوری به خود گرفت. بنابراین، اجرای احکام شرعی ناظر بر حیات فردی و اجتماعی، عامل اصلی توسعه فرهنگی از دیدگاه قرآن و سنت است؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ

۱. رضا شجاعی مهر، مهدویت و بازتعریف مهندسی فرهنگی کشور، نشریه الکترونیکی ساعت صفر به

فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...» (حج: ۴۱). پیام آیه مذکور آن است که حکومت اسلامی باید زمینه دینداری مردم و حفظ روحیه معنوی و تعالی آن را فراهم سازد.

بدین نکته نیز باید توجه داشت که نباید از ابزار حکومتی در جهت توسعه دینداری مدیریتی غیر مدبرانه استفاده کرد؛ که قطعاً نتیجه عکس خواهد داد. از آن جا که واگذار کردن سیاست‌های کلان در برنامه‌ریزی و ترویج معنویت به نهادهای خارج از جریان حاکمیت، با شکست مواجه خواهد بود؛ باید با مدیریتی مدبرانه و آگاهانه توسط سیاستگذاری کلان جامعه در قالب حاکمیت اسلامی، مسئولیت‌ها و وظایف دولتی و غیر دولتی، حیطة‌بندی شود و موجب بقای حاکمیت اسلامی گردد و سرانجام فرهنگ دینی (مبتنی بر الگوپذیری از قرآن و سنت) ترویج و گسترش یابد و جامعه با دولت و شهروند توسعه یافته ایجاد شود؛ چرا که نقش مردم در حکومت اسلامی مردم محور، در صورتی موجب تقویت نظام حکومتی خواهد شد که مردم روحیه دینداری داشته باشند، بنابراین، دینداری مردم و تقویت بنیه معنوی جامعه در حاکمیت اسلامی باعث برچیده شدن ناهنجاری‌های اجتماعی خواهد بود^۱

۲-۴: تحول آفرینی مثبت در جامعه منتظر

از وظایف مهم مسلمانان و شیعیان، توسعه و نشر حقایق دینی و مخالفت با ظلم و جور در جامعه است. مسلمانان باید با استفاده از علم و تکنولوژی، حقایق اسلام را به گوش جهانیان برسانند و آن‌ها را با مؤلفه‌های مکتب اهل بیت علیهم‌السلام که با فطرت انسانی هماهنگ است، آشنا کنند تا از این رهگذر حق را از باطل تشخیص داده و به حقیقت بیوندند. همچنین منتظران راستین وظیفه دارند تنها به خویش نپردازند، بلکه مراقب حال یکدیگر باشند و علاوه بر اصلاح خویش در اصلاح دیگران بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می‌کشند، برنامه‌ای فردی نیست، بلکه برنامه‌ای است که تمام عناصر تحول، باید در آن شرکت جویند و کار به صورت دسته جمعی و همگانی باشد. کوشش‌ها و تلاش‌ها باید

۱. رک: اکبر غاری، عوامل موثر در توسعه فرهنگی از دیدگاه قرآن و سنت به آدرس اینترنتی

هماهنگ گردند و عمق و وسعت این هماهنگی، باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند. در یک میدان وسیع مبارزه دسته جمعی، هیچ فردی نمی‌تواند از حال دیگران غافل بماند، بلکه موظف است هر ضعفی را در هر جا ببیند، اصلاح و هر موضع آسیب‌پذیری را ترمیم کند و هر مستضعفی را از استضعاف برهاند؛ زیرا بدون شرکت فعالانه و هماهنگ تمام مبارزین، تحقق چنان برنامه‌ای امکان‌پذیر نیست. بنابراین، منتظران واقعی علاوه بر اصلاح خویش، زمینه اصلاح انسان‌های دیگر را فراهم می‌کنند.

ما باید بدانیم که ظهور ولی عصر علیه السلام همان طوری که با انقلاب ما، یک قدم نزدیک شد؛ با همین انقلاب، باز هم می‌تواند نزدیک‌تر بشود؛ یعنی، همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند؛ می‌توانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر و یک قدم دیگر؛ همین مردم خودشان را به امام زمان علیه السلام نزدیک‌تر کنند. چطور؟ هرچه شما بتوانید دایره این مقدار از اسلامی که من و شما در ایران داریم (مبالغه نمی‌کنیم، اسلام کامل البته نیست؛ اما بخشی از اسلام را این ملت توانسته در ایران پیدا کند)، همین مقدار از اسلام را هرچه شما بتوانید در آفاق دیگر عالم، در کشورهای دیگر، در نقاط تاریک و مظلّم دیگر، گسترش و اشاعه بدهید؛ همان مقدار به ظهور ولی امر و حجت عصر علیه السلام، کمک کردید و نزدیک شدید» (مقام معظم رهبری: ۱۳۵۹/۴/۶).

۳. کارکرد عقیدتی با هدف عمق بخشی و اصلاح باورها

۳-۱. تعمیق انتظار پویا و سازنده

انتظار فرج و امید به آینده دوگونه است:

انتظاری که سازنده و نگهدارنده است؛ تعهدآور و نیرو آفرین است؛ به گونه‌ای است که می‌تواند نوعی عبادت (مجلسی، ج ۵۲: ۱۲۲) و برترین اعمال امت (قندوزی حنفی، ج ۳: ۱۶۹) شمرده شود؛ و انتظاری که در آن، سکون، بی‌حرکی و بی‌مسئولیتی است. این انتظار ویران‌گر، اسارت بخش و نوعی "اباحیگری" محسوب می‌شود. انقلاب حضرت مهدی علیه السلام انقلابی سازنده و پویا و اصلاح‌گونه است. بر این اساس، انتظار آن نیز باید با این نهضت

متناسب باشد. ارتشی که در انتظار جهاد آزادی بخش و عدالتی فراگیر به سر می‌برد، حتماً به حالت آماده باش کامل در می‌آید؛ سلاحی که برای چنین میدان نبردی شایسته است به دست می‌آورد، روحیه افراد خود را تقویت می‌کند. ارتشی که از چنین آمادگی بهره مند نیست، هرگز در انتظار به سر نمی‌برد. برای تحقق بخشیدن به چنین انقلابی مردانی بسیار مصمم و نیرومند و کاملاً آماده و دارای بینش عمیق لازم است و خودسازی، برای چنین هدفی مستلزم به کار بستن عمیق‌ترین برنامه‌های اخلاقی و فکری و اجتماعی است.

آینده‌پژوهی «علم الانتظار» است. انتظار اگر منفی نباشد، فی نفسه سازنده است و به اصطلاح، «کشش خلاق» برای تلاش و تعالی ایجاد می‌کند. بیوت وحی، «انتظار قدسی» را به ما ارزانی داشته‌اند؛ یک انتظار حداکثری و فراگیر که تکلیف آینده‌گایی بشریت را روشن می‌کند. انتظاری که ما را به هوشیاری بیش‌تر، و عاملیت و فاعلیت بیش‌تر برای ساختن جهانی عاری از نابرابری و ستم باز می‌دارد؛ اما آینده‌پژوهی مدرن هم «انتظار عرفی» را به ما ارزانی می‌دارد که ارزش خاص خودش را دارد. آن یکی، انتظار خدا ساخته و حداکثری و این یکی انتظار بشر ساخته و حداقلی است (ملکی فر، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

۲-۳. تشکیل جامعه آینده‌نگر و عدالت محور

مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند:

«جامعه مهدوی»، جامعه‌ای است که همه پیامبران برای تأمین آن در عالم ظهور کردند؛ یعنی همه پیغمبران مقدمه بودند تا آن جامعه ایده‌آل انسانی که بالاخره به وسیله ولی عصر و مهدی موعود علیه السلام در این عالم پدید خواهد آمد و پایه‌گذاری خواهد شد؛ به وجود بیاید. مانند یک بنای مرتفعی که کسی می‌آید، زمین آن را تسطیح می‌کند و خار و خاشاک را از آن می‌کند. کس دیگری پس از او می‌آید و زمین را برای پایه‌ریزی، می‌کند و گود می‌کند. کس دیگری پس از او می‌آید، تا پایه‌ها را شالوده‌ریزی و بلند کند و کس دیگری پس از او می‌آید تا دیوارها را بچیند و یکی پس از دیگری، مأموران و مسؤولان می‌آیند تا این کاخ مرتفع، این بنیان رفیع، به تدریج در طول زمان ساخته و پرداخته بشود. انبیای الهی علیهم السلام، از آغاز تاریخ بشریت، یکی پس از دیگری آمدند تا جامعه را و بشریت را قدم به

قدم به آن جامعه آرمانی و آن هدف نهایی، نزدیک کنند. انبیا همه موفق شدند؛ حتی یک نفر از رسولان الهی هم در این راه و در این مسیر ناکام نماند. باری بود که بر دوش این ماموران عالی مقام، نهاده شده بود. هر کدام قدمی آن بار را به مقصد و سر منزل نزدیک کردند؛ کوشش کردند؛ هرچه توان داشتند، به کار برند. آن وقتی که عمر آنان سر آمد؛ این بار را دیگری از دست آنان گرفت و همچنان قدمی و مسافتی آن را به مقصد نزدیک تر کرد. ولی عصر علیه السلام میراث‌بر همه پیامبران الهی است که می‌آید و گام آخر را در ایجاد آن جامعه الهی برمی‌دارد. (مقام معظم رهبری: ۱۳۵۹/۴/۶).

بر اساس روایات، ایجاد جامعه عدالت محور، سرلوحه برنامه‌های منجی عالم قرار می‌گیرد. در عصر غیبت نیز جامعه ای که رو به کمال موعود گام برمی‌دارد، باید برقراری عدالت را در رأس برنامه‌های اصلاحی خود قرار دهد؛ زیرا تمامی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، به شدت از میزان تأمین عدالت در جامعه متأثر هستند. بشر در نظام عادل و دادگستر، به درستی تربیت می‌شود؛ با آسایش و فراغت به تکلیف تن می‌دهد و به حقوق دیگران نیز احترام می‌گذارد. بشر در سایه این مسئولیت پذیری و تعهد به جامعه، به سعادت دست می‌یابد. لذا باید پایه‌های اصلی جامعه و ارکان مدیریت که بر همه زوایای اجتماعی تأثیر مستقیم دارد و جهت حرکت جامعه را مشخص می‌کند، عادلانه باشد تا کل روابط اجتماعی در تمامی زمینه‌ها رنگ عدالت و دادگری به خود بگیرد. برقراری عدل، مستلزم آن است که گروهی از افراد، از سرمایه‌ها و درآمدهای بسیار، اما ناحق خود، چشم‌پوشی کنند و این عامل باعث می‌شود که آنان برای حفظ منافع نامشروع خود علیه عدالت خواهان برانگیخته شوند. همین امر، تلاش برای استقرار عدالت را در عصر غیبت بسیار مشکل می‌سازد و غیر از مصلحان و منتظران حقیقی، دیگران یارای آن را نخواهند داشت؛ اما در عوض نتایج و پیامدهای شکوهمند آن نیز بسیار درخور توجه و ارزش مند است، به گونه‌ای که شوق رسیدن به این نتایج، تحمل تمامی مشکلات را آسان و ممکن می‌سازد.

۳-۳. هویت بخشی به جامعه شیعی

اهمیت فرهنگ مهدویت را می‌توان در «هویت بخشی به فرد و جامعه» دانست؛ جامعه‌ای

که به آینده اعتقاد دارد و بر آن باور است که عصری دگر فرا خواهد رسید که با وضع موجود متفاوت است. «مهدویت» در زمانه ما که عصر امام زمان علیه السلام و عصر منجی غایب است، در تعریف هویت ما دارای کارکردی اساسی است. هویت معنای زندگی است؛ هویت کیستی شخص است که لحظه به لحظه با او هم نشین و از او جداناپذیر است. اهمیت هویت بخشی، اهمیتی ذاتی است و مقوم و سازنده وجود ماست. به این دلیل، هویت شیعه با امام زمان خویش تعریف می‌شود. در مکتب شیعی، امام هویت بخش است و آن را از جامعه جاهلی و عصر جاهلی جدا می‌سازد. پس در زمانه ما نیز که امام ما همان مهدی موعود علیه السلام است، او نه جدا از وجود ما، بلکه بخشی از وجود ما شیعیان است. هرگونه غفلت ما از مهدی منتظر علیه السلام با غفلت از خویشتن خودمان خواهد بود (بهر روزی لک، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۲).

جامعه شیعی؛ به خصوص رهبران قیام و یاران نزدیک حضرت مهدی علیه السلام دارای هویت و ماهیت مشترکی بوده و از همسانی و یگانگی ویژه‌ای برخوردارند؛ چنان که امام علی علیه السلام فرمود: «ایشان یکدل و هماهنگ هستند» (کامل سلیمان، ۱۴۰۱: ۲۲۴). این مشترکات عبارتند از:

الف) هویت ایمانی: یاران مهدی علیه السلام، از نظر اعتقادی یکتاپرست و موحد بوده و معرفت عمیق و باور ژرفی به خداوند متعال دارند و غبار تردید در ذات مقدس خداوند، خاطرشان را نمی‌آلاید (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۳۰۸).

ب) هویت فکری: انقلابیون عصر ظهور انسان‌هایی خردمند، بصیر، خوش فکر و آگاه هستند که با درایت و هوشیاری، راه خود را انتخاب کرده و به یاری دین حق می‌شتابند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «گویی دل‌های آنان، مشعل نورانی [حکمت] است.» (همان).

ج) هویت اخلاقی: یاران انقلاب جهانی مهدوی، انسان‌هایی وارسته، صالح و نیک اخلاق هستند و از پلیدی‌ها و کژی‌ها به دور می‌باشند. آنان شایستگی‌اند که در قرآن و زبور، مژده وراثت بر روی زمین به آنان داده شده است (انبیاء: ۱۰۵).

د) هویت سیاسی: نیروهای انقلابی در عصر ظهور، حق‌گرا، ظلم ستیز و باطل‌گریز هستند که علیه ظلم و ستم فراگیر قیام می‌کنند. آنان گروه حقی هستند که مصاف نهایی

علیه باطل را رقم خواهند زد. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند به وسیله آنان امام حق را یاری می‌دهد.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۳۰۸).

ح) هویت اجتماعی: عموم انقلابیون در عصر ظهور، از طبقات مستضعف، محروم از قدرت، ستمدیده و رنج‌دیده جوامع بشری هستند که قرآن وعده پیروزی و حاکمیت بر روی زمین را به آنان داده است: (قصص: ۵) امام علی علیه السلام فرمود: مستضعفان زمین که در قرآن از آنان یاد شده و خداوند آنها را پیشوا قرار می‌دهد، ما اهل بیت هستیم...» (مجلسی، ج ۵۱: ۶۳)، بنابراین، بین یاران حضرت مهدی علیه السلام و جوه اشتراک فراوانی وجود دارد و یکدل و متحد عمل می‌کنند (کارگر، ۱۳۸۶: ۸۵).

۳-۴. ایجاد امید، تلاش و پیشرفت در عرصه‌های مختلف

انتظار فرج در جامعه منتظر، یکی از عقاید انسان‌ساز و امید آفرین و از مهم‌ترین منابع الهام و شوق‌دهی برای زمینه‌سازی تحول و تکامل و سوق دادن انسان‌ها به سوی حکومت عدل و ایمان است. از دیدگاه اسلام، به‌خصوص مذهب تشیع، انتظار همه‌گاه برانگیزنده، تحرک‌بخش، جنبش‌آفرین، سرچشمه شور مقاومت، ایثار، قیام و حرکت مستمر است. انتظار برای جامعه دینی ایران، مقوله قابل تاملی است و با تاروپود زندگی دینی مردم ما آمیخته است (هاشمی‌شهیدی، ۱۳۸۷: ۲۰۷).

در نظام فکری شیعی، «مهدویت» جان و جوهر سیاست و امام، امید آفرین است و بر پویایی و بالندگی و شور و نشاط جامعه می‌افزاید. نظام مهندسی فرهنگی در جهان غرب، بر فرهنگ سکولاریسم، با چاشنی مادی‌گرایی، در صدد هژمونیک کردن این دکترین در گستره نظام اجتماعی نوین بر محور مدرنیته مبتنی است. این راهبرد فرهنگی با گسترش حجم تولیدات مادی و محوریت حداکثری اقتصاد، به طور مستقیم سعی در منزوی کردن و به حاشیه راندن در حوزه فرهنگ‌سازی است. در این نوع مهندسی فرهنگی، اصالتی برای فرهنگ اخلاق محور وجود ندارد؛ اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - که در نوع خود یک رنسانس توحیدی و شورش سنت علیه مدرنیته بود - اصالت فرهنگی مبتنی بر اخلاق و عدالت شکل گرفت. پیروزی انقلاب اسلامی - که با شعار اختلاط دین و دنیا پا به عرصه نظرات مدرن گذاشته بود -

بهترین سند عینی است که تحولات نظام‌سازی و جهانی‌سازی غربی، با غلبه مهندسی اقتصاد محور را به چالشی سخت دعوت کرد (شجاعی مهر، ۱۳۸۷، ۵۹-۶۰).

منتظر راستین حجت خداست و همواره در تلاش و تکاپوست تا فرهنگ ناب مهدوی، از علم به عین و عمل آید. از این روست که هر متخصص فن‌آوری که در مکتب انتظار آموخته گردیده است؛ در ارائه صحیح تخصص متعهدانه، هیچ قصوری روا نمی‌دارد. اگر امام صادق علیه السلام فرمود: «منتظر ظهور آن حضرت، حتی یک تیر هم که شده آماده کند...» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۰)؛ صبغه تمثیل دارد، نه تعیین، زیرا آمادگی رزمی و وظیفه متخصص نظامی است و رسالت کارشناس اقتصادی، تلاش برای حل تورم، رفع بیکاری، تعدیل تقاضا و عرضه، تقلیل فاصله رنج آور طبقاتی است و وظیفه مجتهد فقهی یا حقوقی یا سیاسی، جهل زدایی و ایستادگی در برابر هجوم فرهنگی و در نهایت، تبیین و تعلیل و حمایت عالمانه از مبانی اعتقادی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

از دیدگاه مقام معظم رهبری، برخی از شاخصه‌های جامعه منتظر در جامعه کنونی ما به چشم می‌خورد و این امر ناشی از این مسئله است که همه خصوصیات ظهور حضرت مهدی علیه السلام با مقیاس کوچک‌تر در انقلاب اسلامی ایران متجلی است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«همه خصوصیتی که در ظهور مهدی علیه السلام هست، در یک مقیاس کوچک در انقلاب اسلامی ملت ایران هم هست. در آن‌جا هم مخاطب حضرت بقیت الله علیه السلام همه مردم عالم‌اند؛ یعنی، در آن لحظه‌ای که به خانه کعبه پشت می‌دهد و تکیه می‌کند و دعوت خود را با صدای بلند فریاد می‌کند، صدا می‌زند: «یا اهل العالم!». انقلاب اسلامی ما هم از آغاز، اعلام کرد که مخصوص یک ملت و یک قوم و یک کشور نیست. همچنانی که آن بزرگوار با همه قدرت‌های بزرگ جهان، ستیزه می‌کند و در می‌افتد، انقلاب ما هم با دست‌خالی و فقط با تکیه به نیروی ایمان با همه قدرت‌های عظیم جهانی مقابل شد. همان طوری که ظهور حضرت مهدی علیه السلام همه حساب‌های مادی و معمولی را به هم می‌ریزد؛ انقلاب ما هم همه حساب‌ها را به هم ریخت. امروز با انقلاب اسلامی ما - که در خط ایجاد عدالت در سطح جهان است - انقلاب حضرت مهدی علیه السلام یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک شد. نه فقط به وجود آمدن حکومت اسلامی، آن عاقبت

موعود را به عقب نمی‌اندازد؛ بلکه آن را تسریع هم می‌کند و این است معنای انتظار» (مقام معظم رهبری: ۱۳۶۰/۳/۲۹).

نتیجه‌گیری

«جامعه منتظر» در صورتی می‌تواند در ترسیم وضعیت آینده جهان، جامعه‌ای با کیفیت و اثرگذار و الگویی برای دیگر ملت‌ها باشد که بر اصول و آرمان‌های خود پافشاری کند و بایسته‌های «جامعه آرمانی دین» (مهدویت) را سر لوحه فعالیت خود در همه عرصه‌ها؛ اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار دهد. تبیین کاربردهای جامعه آرمانی دین (مهدویت) و بومی‌سازی آن در متن جامعه منتظر؛ می‌تواند برای برنامه‌ریزی و حرکت به سوی ساختن آینده‌ای درخشان و در نهایت زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر علیه السلام گام مؤثری باشد. از منظر قرآن، مهدویت فرجام و غایت جامعه بشری و الگوی واقعی آن است و باید هویت ما با استفاده از آن بازتعریف شود. اندیشه مهدویت، اندیشه ما را پربار و موقعیت جمهوری اسلامی را در اجرای ماموریت‌ها و رسالت انقلاب اسلامی در حفظ آرمان‌ها تقویت می‌کند. پیشرفت، عدالت و تعالی بخشی از ظرفیت‌های مهدویت است.

جامعه آرمانی دین (مهدویت)، دارای مؤلفه‌های جامعی است که می‌تواند در تدوین سندهای چشم‌انداز مورد توجه واقع شود؛ این مؤلفه‌ها عبارتند از: فراگیری و عام‌نگری (جهان‌شمولی)، عدالت‌گرایی، معنویت‌گرایی و کمال‌بخشی، حق‌گرایی و ریشه‌کنی نمودهای باطل، تحقق عبودیت و یکتاپرستی، خشونت‌ستیزی (ظلم، جنگ، ناامنی و...)، تأمین رضایت‌مندی و خشنودی مردم، شایسته‌سالاری (حکومت صالحان و مستضعفان)، تحوّل‌گرایی مثبت و سازنده، ایجاد انسجام، سازواری و هم‌آهنگی. از این رو، «مهدویت»، از مبانی اساسی در باور شیعی، به عنوان عامل مهم و مؤثر بر طراحی و برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی کشور، می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نظامی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی شیعی، و جامعه منتظر، در تلاش است تا مسیر رسیدن به جامعه آرمانی دین را، با اتکال به خداوند بر مبنای عمل به آموزه‌های عالی اسلام طی کند.

منابع

قرآن کریم.

۱. آریانپور، عباس (۱۳۶۹). *فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲. الهی نژاد، حسین، (۱۳۸۶) *آینده نگری و فرجام تاریخ بشر*، فصلنامه انتظار، شماره ۲۱، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۳. امام خمینی رحمته الله علیه، (۱۳۸۶). *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۴. بهروزی لک، غلامرضا، (۱۳۹۲). *جزوه درسی بازاندیشی آینده*، دوره سوم آینده پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *امام مهدی علیه السلام موجود موعود*، قم، مرکز نشر اسراء.
۶. حکیمی، محمد رضا، (۱۳۸۲). *خورشید مغرب*، قم، انتشارات دلیل ما.
۷. در دیدار قشرهای مختلف مردم در سالروز میلاد خجسته امام زمان علیه السلام ۱۳۷۹/۸/۲۲
۸. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۱). *تاریخ در ترازو*، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.
۹. سلیمان، کامل (۱۴۰۱ق) *یوم الخلاص*، ایران، انتشارات دارالکتاب الضبانی.
۱۰. شجاعی مهر، رضا، (۱۳۸۷). *مهدویت و بازتعریف مهندسی فرهنگی کشور*، نشریه الکترونیک ساعت صفر، قم، مؤسسه آینده روشن.
۱۱. عباسی، علی اصغر و بهرامی، محسن، (۱۳۹۲). *پس نگری در آینده پژوهی*، دومین همایش ملی آینده پژوهی، سایت: www.civilica.com
۱۲. غاربی، اکبر، (۱۳۹۰) *عوامل موثر در توسعه فرهنگی از دیدگاه قرآن و سنت*، سایت سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. فیروزآبادی، سید حسن، (۱۳۸۶-۱۳۸۷). *آینده نگاری راهبردی در دکترین مهدویت*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک شماره ۳۱ و ۳۲:
۱۴. قندوزی حنفی، سلیمان، (۱۴۰۴ق). *ینابیع الموده*، بیروت، انتشارات دار الکتاب.
۱۵. کارگر، رحیم، (۱۳۸۹). *آینده پژوهی قرآنی و جایگاه مهدویت در آن*، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۳۲، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۱۶. _____، (۱۳۹۶). *بسیج و کنش جمعی در انقلاب جهانی مهدوی*، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۲۳، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۱۷. _____، (۱۳۹۲). *مهدویت و جایگاه آن در چشم انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه انتظار، شماره ۴۰، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۱۸. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *اصول کافی*، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

۱۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*، بیروت، انتشارات داراحیاء التراث العربی موسسه الوفا.
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی، سخنرانی با عنوان همایش اسلامی و آینده پژوهی دینی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۵.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۰). *مشکات جامعہ و تاریخ از دیدگاه قرآن*، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸). *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۳. _____ (۱۳۹۱). *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، تهران، صدرا.
۲۴. مقام معظم رهبری، تهران: ۱۳۵۹/۴/۶.
۲۵. مقام معظم رهبری، خطبه نماز جمعه، تهران: ۱۳۵۹/۴/۶.
۲۶. _____ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
۲۷. _____ ۱۳۹۱/۳/۱۴.
۲۸. _____ ۱۳۶۰/۳/۲۹.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰). *حکومت جهانی مهدی علیه السلام*، قم، انتشارات نسل جوان.
۳۰. _____ (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران، انتشارات دار الکتب الإسلامیة.
۳۱. ملکی فر، عقیل و همکاران، (۱۳۸۶). *الفتاوی آئینده پژوهی*، بی جا، موسسه فرهنگی انتشارات کرانه علم.
۳۲. موسوی همدانی، سید محمد باقر، (۱۳۷۴). *ترجمه المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۳. نعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، تهران، انتشارات مکتبه الصدوق.
۳۴. نهج البلاغه (۱۳۷۹). *ترجمه عبدالمحمد آیتی*، تهران، بنیاد نهج البلاغه و دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۳۵. هاشمی شهیدی، اسدالله، (۱۳۸۷). *ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان*، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۳۶. هرسیج، حسین و صادقی زهرا، (۱۳۸۱) *راه‌های زمینه‌ساز جامعه برای ظهور مهدی علیه السلام*، نشریه مهندسی فرهنگی، شماره ۵۹-۶۰.
۳۷. www.bnews.ir/prty7n9x.